



تعليق عادی سازی روابط آمریکا و روسیه

یوری اوشاکوف، دستیار ویژه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه گفت: «اکنون بدیهی است که نوعی توافق بین وزارت امور خارجه آمریکا و وزارت امور خارجه روسیه در مورد مکان و زمان برگزاری جلسه بعدی حاصل خواهد شد.» وی سپس در پاسخ به سؤال خبرنگار تاس افزود: «روسیه و آمریکا روند عادی سازی روابط خود را به حالت تعلیق درآورده اند.» او که در یک نشست خبری این اظهارات را ارائه می کرد، تشریح کرد: «در ابتدا توافق شده بود که جلسه بعدی عادی سازی روابط در مسکو برگزار شود، اما پس از آن آمریکایی ها پیشنهاد وقفه دادند.» ماریا زاخارووا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه نیز در همین زمینه گفت که مذاکرات برنامه ریزی شده میان روسیه و آمریکا با هدف از بین بردن عوامل چالش برانگیز در روابط دو طرف به خواست واشنگتن برای وقفه به تعویق افتاده است. زاخارووا سپس ابراز امیدواری کرد که این وقفه خیلی طولانی نباشد.



تخلیه دو پایگاه آمریکا در سوریه

نیروهای آمریکایی از دو پایگاه نظامی دیگر در شمال شرقی سوریه خارج شده اند که این امر نگرانی نیروهای کرد را در مورد افزایش فعالیت های گروه تروریستی داعش برانگیخته است. طبق این گزارش پایگاه های الوزیر و تل بیدر اکنون توسط گروه های کوچکی از نیروهای موسوم به دموکراتیک سوریه (SDF) محافظت می شوند. منابع رویترز گفتند که نیروهای آمریکایی اخیراً این پایگاه ها را ترک کرده اند. مظلوم عبدی فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه گفت که حضور چند صد سرباز در یک پایگاه برای مهار تهدید داعش که «اخیراً به طور قابل توجهی افزایش یافته است کافی نیست.» رویترز همچنین به نقل از دو منبع نزدیک به «وزارت دفاع سوریه» گزارش داد که «احمد الشرع و اطرافیان او به طرف های غربی گفته اند که جذب جنگجویان خارجی در ارتش سوریه، خطر امنیتی کمتری نسبت به رها کردن آنها دارد؛ چرا که در غیر این صورت ممکن است به القاعده یا داعش بپیوندند.»



نیروی جدید کره شمالی در اوکراین

روسیه از اعزام پنج هزار نیروی نظامی کره شمالی و همچنین یک هزار نیروی خنثی کننده مین به کورسک خبر داد. سرگئی شویگو، رئیس شورای امنیت روسیه حین بازدید از پیونگ یانگ پایتخت کره شمالی اعلام کرد که این کشور، لشکری شامل پنج هزار نیرو و همچنین یک هزار نیروی خنثی کننده مین را به منطقه کورسک اعزام خواهد کرد. وزارت دفاع بریتانیا در هفته جاری مدعی شد که کره شمالی از ۱۰ هزار سربازی که پیش از این به جنگ اوکراین اعزام کرده بود، ۶ هزار نفر تلفات داشته است. خبرگزاری های روسیه روز سه شنبه اعلام کردند اعزام نیروهای جدید از کره شمالی به سوی منطقه کورسک خواهد بود که بخشی از آن توسط اوکراین اشغال شد.

دست پیدا کند. خطر اصلی این نبود که ایران از بمب استفاده می کند یا به اسرائیل حمله می کند- اقدامی که می توانست یک خودکشی باشد- بلکه بمب ایرانی می توانست توانایی اسرائیل برای استفاده از زور در این منطقه را بدون تبعات محدود کند. اینکه رهبران اسرائیل این احتمال را که اجبار به اقدام همراه با خویشتن داری بیشتر را یک خطر می دیدند نشان می دهد که آنها این نوع از «امنیت آزاد» را ندارند که فقط مختص ایالات متحده است؛ تنها هژمون واقعی منطقه که مدت هاست از آن برخوردار است.

همچنین موفقیت های اخیر اسرائیل در میدان نبرد نتوانسته مسئله اساسی تر فلسطینی ها را که حدوداً نیمی از جمعیت آنها در سرزمین های تحت کنترل اسرائیل زندگی می کنند، حل کند. برتری نظامی و قابلیت های اطلاعاتی اسرائیل مانع از کشتن صدها اسرائیلی به وسیله حماس در اکتبر ۲۰۲۳ نشد و در واکنش نیز، کشتار بیش از ۵۵۵ هزار فلسطینی باعث نشده یک راه حل سیاسی برای این درگیری پیدا شود.

در عوض، این امر به طور قابل توجهی وجهه جهانی اسرائیل را خدشه دار کرده و حمایت از آن را حتی در میان متحدان دیرینه اش تضعیف کرده است. مهم تر از همه، اسرائیل به شدت به حامی آمریکایی خود وابسته است؛ کشوری که بیشتر جنگنده ها، بمب ها و موشک هایی که اسرائیل به آن نیاز دارد تا به همسایگان خود حمله کند و همچنین محافظت دیپلماتیک مداوم اش را تامین کند. یک هژمون واقعی منطقه ای برای تسلط بر همسایگان خود نیازی ندارد به دیگران وابسته باشد، اما اسرائیل نیاز دارد. حمایت ایالات متحده به دلیل نفوذ گروه ذی نفع قدرتمند داخلی دهه هاست که آهنین بوده و با تضعیف جایگاه قدرت آمریکا حفظ آن هم احتمالاً دشوارتر خواهد شد.

اگر این دور جدید از مبارزه در نهایت پای ایالات متحده را بسازد کند، آمریکایی های بیشتری- از جمله حامیان ماگا (آمریکا را دوباره با عظمت می کنیم) که فکر می کردند دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، کشورشان را در صلح نگه می دارد- بهای قابل توجهی را که آمریکایی ها برای «رابطه ویژه» با اسرائیل می پردازند، شناسایی خواهند کرد.

در آخر، هژمونی منطقه ای پایدار نیازمند آن است که کشورهای همسایه موقعیت غالب هژمون را بپذیرند (یا در برخی موارد از آن استقبال کنند). در غیر این صورت، هژمون همواره نگران مخالفان جدید خواهد بود و مجبور است اقداماتی تکراری برای جلوگیری از ظهور آنها انجام دهد. یک هژمون پایدار برای اینکه جایگاه ممتاز خود را برای دیگران قابل قبول جلوه دهد، باید با درجه ای از مدارا عمل کند: همانگونه که فرنکلین دی روزولت، رئیس جمهور سابق آمریکا با اتخاذ سیاست «همسایه خوب» در قبال آمریکای لاتین آن را انجام داد. شایان ذکر است که کشورهای هژمون طلب مانند فرانسه در دوران ناپلئون، آلمان نازی یا ژاپن امپراتوری برای مدت کوتاهی توانستند به موقعیت غالب دست پیدا کنند اما نتوانستند دستاوردهای اولیه خود را تثبیت کنند و در نهایت مقابل ائتلاف های مخالف قدرتمندتر تسلیم شدند.

با این حال، رفتار توأم با مدارا با همسایگان نقطه قوت اسرائیل نبوده است و نفوذ فزاینده نیروهای راست گرا و تندروهای مذهبی در آن احتمال این موضوع را کمتر می کند. تمام این موارد را که کنار هم می گذارید می بینید که اسرائیل به مراتب از هژمونی منطقه ای فاصله دارد. هیچ شکی ندارم که رهبران آن می خواهند به این موقعیت دست پیدا کنند، چرا که نه، اما همیشه دست نیافتنی خواهد بود. این بدان معنی است که امنیت طولانی مدت برای اسرائیل در نهایت به دستیابی به یک توافق سیاسی پایدار با همسایگانش از جمله فلسطینی ها بستگی دارد. این یادآور دیگری است که امنیت پایدار در نهایت به سیاست بستگی دارد، نه فقط قدرت.

ترجمه: یاسمن طاهریان



نظامی اسرائیل به ترتیبات و توافقی ها با همسایگان فلسطینی و عرب خود که منعکس کننده توازن منافع باشد و نه عدم تقارن فعلی قدرت، که دیر یا زود به رویارویی، خشونت و ترور بیشتر منجر خواهد شد، پایدار نخواهد ماند.

استدلال هژمونی مبتنی بر برتری نظامی را لارنس فریدمن مورخ بریتانیایی به خوبی در فارن افروز توضیح می دهد: «قدرت های بزرگ تمایل دارند فرض کنند که برتری نظامی قابل توجه آنها به سرعت بر مخالفان شان غلبه خواهد کرد. این اعتماد به نفس بیش از حد به این معنی است که آنها نمی توانند محدودیت های قدرت نظامی را درک کنند و بنابراین اهدافی را تعیین می کنند که اگر در کل قابل دستیابی باشد فقط از طریق یک مبارزه طولانی امکان پذیر است. مشکل بزرگتر این است که با تاکید بر نتایج فوری میدان نبرد، ممکن است عناصر گسترده تر و لازم برای موفقیت، مانند دستیابی به شرایط صلح پایدار را نادیده بگیرند.» مارک لینچ، استاد علوم سیاسی و امور بین الملل در دانشگاه جورج واشنگتن می گوید که استدلال هژمونیک برای اسرائیل تقریباً سوء استفاده از این مفهوم است. اسرائیل هیچ مشروعیتی در منطقه ندارد و خارج از منطقه هیچ کشوری آن را به عنوان فراهم کننده مشروع نظم در منطقه نمی بیند.



اند هژمون باشد

طبقه ای موفقیت آمیز نخواهد بود

و جمعیت بسیار بیشتری دارند و در صورت جنگی تمام عیار، حتی اگر در نهایت شکست بخورند، می توانند دفاع معتبری از خود نشان دهند که به نوبه خود به این معنی است که اسرائیل نمی تواند آنها را از محاسبات خود خارج کند و تصور کند که این کشورها تسلیم خواهند شد. مقاومت مداوم ایران این موضوع را روشن می کند: تلاقی حملات اخیر کمتر از آسیبی است که به این کشور وارد شده اما به هیچ وجه ناچیز نبوده و درگیری تمام نشده است.

هیچ نشانه ای وجود ندارد که تهران با میل خود منافع خود را با اسرائیل مطابقت دهد، حتی اگر در این رویارویی اخیر در نهایت در طرف بازنده قرار بگیرد. فقط به همین دلیل، اسرائیل یک هژمون منطقه ای نیست.

علاوه بر آن، توجیه کلی حملات اخیر، ترس از این بود که ایران ممکن است یک روز به سلاح هسته ای

نشده است.

این موقعیت ممتاز به واشنگتن اجازه داد تا با هدف جلوگیری از اینکه هر گونه قدرت دیگری بتواند در داخل هر منطقه ای که از نظر استراتژیک مهم باشد به چین جایگاهی برسد، بر سیاست خارجی و دفاعی خود در اوراسیا متمرکز شود. اسرائیل امروزی این استاندارد را ندارد.

مثلاً حوثی ها همچنان جسورند و ارتش اسرائیل به رغم ویرانی های گسترده ای که بر ساکنان غزه تحمیل کرده همچنان در این منطقه گرفتار است. اسرائیل به طور قابل توجهی حزب الله و حماس را تضعیف کرده اما این ها بازبگران غیردولتی اند و هیچ کدام از آنها هیچ وقت تهدیدی برای موجودیت اسرائیل محسوب نمی شدند.

هیچ کشور یا ائتلاف عربی امروز حریف اسرائیل نیست اما هم ترکیه و هم ایران نیروهای نظامی قابل توجه



رعیت منطقه ای است

هیچ نشانه ای از برقراری ثبات ندارد

می گویند خواهان ادامه آتش بس اند. در عین حال زمینه سازی برای الحاقی بخش عمده ای از کرانه باختری به سرعت در حال پیشرفت است. به ندرت پیش آمده که چشم انداز هر گونه مذاکره ای برای رسیدن به راه حل دو کشوری تا این حد دور از دسترس باشد.

در غزه، هر گونه مذاکره ای در مورد یک استراتژی معقول برای روزهای پس از جنگ، همانگونه که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه پیشین آمریکا برای تقویت امنیت، حکومت داری و بازسازی آن ترسیم کرده بود به طور فزاینده ای بعید به نظر می رسد. میلر و سایمون معتقدند که اسرائیل نمی تواند ایدئولوژی حماس را از بین ببرد اما می تواند با پیشنهاد جایگزین، آن را کم اهمیت تر کند. نتانیاهو که از بی اعتنائی به اعضای راست گرای ائتلاف خود نگرانی دارد، با رد نقش تشکیلات خودگردان فلسطین و اشغال مجدد بخش های بزرگی از